

سرشناسه: موبدنیاه، قریبا، ۱۳۵۳.

عنوان و نام پدیدآور: ناب‌ترین معلمان‌ها/ مولف قریبا موبدنیاه؛ ویراستار ادبی: نورمحمد خادمی فرد.

مشخصات نشر: تهران: پیشگامان پژوهش‌مدار، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۹-۰۸-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: معلمان — ایران — خاطرات / موضوع: Teachers -- Iran -- Diaries

موضوع: معلمان — لطایف و حکایات / موضوع: Teachers -- Anecdotes

موضوع: معلمان — اثر بخشی / موضوع: Teacher effectiveness

موضوع: آموزش و پرورش — ایران / موضوع: Education-- Iran

شناسه افزوده: نورمحمد، فرد، نورمحمد، ۱۳۶۰ -، ویراستار

ده بندی کنگره: ۱۳۹۵/۴/م۹ ۲ LB۲۸۳۲۲

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۹۵۴۷۶



انتشارات پیشگامان پژوهش‌مدار

ناب‌ترین معلمان‌ها

سرشناسه: قریبا موبدنیاه

ویراستار ادبی: نورمحمد خادمی فرد

طراح گرافیک: ایمان اوجیان / آماده سازی: آرزو صفرخانلو

چاپ: اول ۱۳۹۶ / شماره: ۰۰۰ / نسخه

چاپ و صحافی: خدمات چاپ خانقاه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۲۹-۰۸-۸

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ ریال

تلفن: ۸۸۳۴۵۲۱۷ / نمابر: ۸۸۳۴۵۲۱۸

حق چاپ محفوظ است.

نشانی: تهران. خیابان کریم‌خان زند. خیابان ماهشهر. نبش خیابان یگانه. پلاک ۳. واحد ۲۱

فهرست

۴ پیش‌گفتار

۸ مقدمه

فصل اول

۱۲ حاشیه‌هایی که جزو درس هستند

فصل دوم

۱۴۰ حکایت‌ها و حکمت‌ها

۳۳ منابع

پیتر، گاتار

این روزها وقتی از قباب پنجره به تصویر پاییز رنگارنگ شهرم خیره می‌شوم، آخر دآگاه، حال پروانه‌های را پیدا می‌کنم که در درون پیله ابریشمی‌اش نرم غنوده است و رویاهای شیرین پرواز را در سر می‌پروراند یا حال آن غزال که چپک و بازیگوش که در سرمای استخوان‌سوز زمستان، زیر بدن گرم و حمایت‌گر مادرش غنوده است و در خواب طولانی و شیرین زمستانی‌اش، آریب‌ترین نغمه‌های طبیعت بهار، شادمانه می‌رقصد. به این می‌اندیشم که در آب‌های این چنینی چه فرصت بی‌نظیر و مقتنمی برای پرسه زدن در لایه‌های کشف و شهود و پیوند خوردن با روح و جان هستی هستند راستش هیچ‌گاه گمان نمی‌کردم که این‌گونه کنج عزلت‌گزین‌ها، به گوشه خلوت نشستن‌ها و بی‌خبری از همه‌های بیابای مادی، چنین لذت و دلپذیر باشد، اما این یکی، واقعاً به چله‌نشستن عارفانه می‌ماند که لحظه‌لحظه‌اش مملو از رشد و بیداری و سرشار از شوق

کسب شهود و حکمت است.

این‌ها همه هدیه‌های بدیع و ارزشمند تولد دومین فرزند من در آستانه ورود به دوران میان‌سالی است که موجب شده فرصتی بیابم تا بعد از سال‌ها معلمی در کلاس‌های درس، در تمامی لحظات یک دوره بی‌بدیل مرخصی ۹ ماهه، دانش‌آموز باشم، دنیا را از منظری دیگر به تماشا بنشینم و شبیه کودک بازیگوش و کنجکاو شوم که هزاران سؤال دارد و تشنه یافتن پاسخ برای پرسش‌های بی‌شمارش است پس عجیب نیست که این‌قدر شوق زندگی در من جاری است! سخن یکی از اساتید روان‌شناسی را به یاد می‌آورم که می‌گفت: «فرزندپری بزرگترین دانشگاهی است که شما می‌توانید واردش شوید. هیچ دانشگاهی قادر نیست آن‌قدر که این کار به شما آگاهی می‌بخشد و شما را با خود، جهان هستی و بشریت آشنا می‌سازد، به شما بیاموزاند. از این جهت، است که هیچ کاری در دنیا لذت، اهمیت، ارزش، ضرورت و رشد و تکاملش به اندازه فرزندپروری نیست. پرورش آگاهانه فرزند بزرگ‌ترین آفرینش است که ما به عنوان پدر و مادر در حق خود، فرزندان و جامعه انجام می‌دهیم.»

خوب می‌دانم که اصلی‌ترین و مهم‌ترین کار من در این دوره باید وقت گذاشتن برای فرزندم و رسیدگی و مراقبت، شقانه و عالمانه از او باشد؛ به‌ویژه این‌که علم روان‌شناسی معاصر می‌گوید رابطه مادر-کودک (مخصوصاً در سال اول تولد) یکی از مهم‌ترین عواملی است که در شکل‌گیری و رشد شخصیت انسان و سلامت روانی او در دوران بزرگسالی تأثیر می‌گذارد. با این همه، دلم می‌خواهد عمیقاً بتوانم شاغلی که هم‌چون من به تازگی صاحب فرزند شده‌ام، باور کنند که وجود نازنین این فرشته‌های کوچک و این مولودهای دوست‌داشتنی، آن‌چنان سرشار از موهبت و نعمت است که برکت کثیر نهفته در تک‌تک لحظات این دوره مرخصی، آن‌ها را قادر به انجام کارهای خیر بسیاری می‌کند. هم‌چنان‌که برای من نیز در این مجال درنگ شگرف و در حاشیه مراقبت از نوزاد عزیزم، فرصت

مرور و آغاز بازنویسی خاطرات، تجربیات، دانسته‌ها و خوانده‌ها و شنیده‌هایم دربارهٔ مقولهٔ تعلیم و تربیت و نگارش این کتاب فراهم شد. پس آرزو می‌کنم همهٔ مادران شاغل به‌ویژه خانم معلم‌های دلسوز و متعهد سرزمینم، بتوانند در سایهٔ حمایت‌های دولتی و خانوادگی از دورهٔ طلایی مرخصی زایمان خود به عنوان یک فرصت مطالعاتی ارزشمند بهره‌مند شوند و این فرصت مغتنم را برای بیشتر دانستن، بهتر بودن، کامل‌تر شدن، زیباتر دیدن و عاشقانه‌تر و عالمانه‌تر زیستن، به تمامی دریابند.





مقدمه

لطفاً به پاسخ این سؤال، ثوب ببندیشید:

وقتی از ما درباره بهترین خاطره دوران مدرسه یا بهترین معلمان دوران تحصیل مان می پرسند، سینه خاطرات و معلمان را به یاد می آوریم؟ گمان می کنم جواب عنده بسیار کمی از ما این گونه جواب ها باشد: «معلم شیمی مان بهترین معلم ام بود چون خیلی شیمی می دانست» یا «از فلان معلم ریاضی ام بهترین خاطره دارم، چون او به معنای واقعی ریاضی دان بود.»

واقعیت این است که بیشتر ما بهترین خاطرات دوران تحصیل مان را نه از درس های تخصصی و کتابی که از شیوه های متدیسین و مربیان تربیتی معلمان مان داریم و آن چه را که ایشان با رفتار، گفتار و منش شان در لوح روح و ضمیرمان حک کرده اند، ماندگارتر می دانیم. دلیل مان هم این است که این معلمان کارآمد و خلاق توانسته اند چیزهایی را درباره معنای زندگی به ما منتقل کنند که در کتاب ها و برنامه درسی

وجود نداشتند؛ همان نگرش‌ها، اصول و مهارت‌هایی که اتفاقاً در تمام طول عمر مفید بوده و هستند؛ چیزهایی مثل: خلاقیت، نوع دوستی، مهارت همکاری و انجام کار گروهی، نظم و انضباط سازنده، خوش بینی و امیدواری، تلاش و سخت کوشی، خوب دیدن و خوب شنیدن، توانایی داشتن رفتار صحیح اجتماعی، پرسشگری و پژوهشگری و...

عجیب نیست که اتفاقاً ما کتاب و درس این معلمان کاردان و متعهد را هم بیشتر دوست می‌داشتیم. این چنین است که شاید بتوان گفت آموزش بیشتر از آن که علم باشد، هنر است، زیرا با عواطفی توأم است که نمی‌توان به طور منظم آن‌ها را ارزیابی کرد و به کار برد. آموزش به حدی است که یک واکنش شیمیایی نیست، بلکه بیشتر شبیه کشیدن یک شمشیر یا ساختن یک قطعه موسیقی یا کاشتن نهالی در باغ است. آموزش با قلب انسان سروکار دارد و باید اذعان داشت که این کار را با فرمول‌های تئوریک انجام داد (بیلر، ۱۳۸۱).

از این‌رو، اهمیت برده‌ی درسی پنهان که می‌تواند قویاً بر فکر، عواطف، رفتار و شخصیت فراگیرندگان اثر گذار باشد و عمدتاً منبعث از تعاملات دانش‌آموزان و معلمان به واسطه کلاس‌های درس است، بیشتر آشکار می‌شود؛ همان حاشیه‌ی مهم فرایند یاددهی-یادگیری که جزو درس و چه بسا ارزشمندتر و با اهمیت‌تر از آن هستند.

کتاب حاضر که حاصل مطالعات علمی و تجربی هفتاد و هفت سال نگارنده در اشتغال به امر تعلیم و تربیت است، در ۲ فصل «حاشیه‌ها» که جزو درس هستند» و «حکایت‌ها و حکمت‌ها»، به رشته تحریر درآمده است. بر آن است که با تبیین راهکارها و شیوه‌های القای مؤثر دانش و تربیت نگرش‌ها و منش‌های سودمند به معلمان و فراگیرندگان، گامی و اثربخشی و نیز لذت فرایند مقدس تعلیم و تربیت را برای متعلمان و معلمان مضاعف کند.

فصل اول نمونه‌هایی از آموزش‌های غیرمستقیم را در قالب برنامه‌ی درسی پنهان به تصویر می‌کشد که ما معلمان و مربیان می‌توانیم با القای به موقع آن‌ها به فراگیرندگان، موجبات غنادی و معنویت بخشی



بیشتر به فراگرد تعلیم و تربیت مان را فراهم آوریم. باشد که این قطره‌ها که سیرابی را نشاید، تشنگی مان به دانستن بیشتر و سعی و مجاهدت‌هایی ارزنده‌تر در عرصه تعلیم و تربیت را افزون کند. فصل دوم به مواردی می‌پردازد که مرور و بازخوانی آن‌ها برای معلمان و کسانی که دغدغه‌های تعلیم و تربیت دارند، می‌تواند مفید باشد.

همکاران خوب! بخش آخر این مقدمه نسبتاً طولانی، به خواهشی صمیمانه از شما اختصاص یافته است. از شما می‌خواهم هنگام خواندن این کتاب مدادی به همراه داشته باشید و آنچه از دیده‌ها، شنیده‌ها، خوانده‌ها و تجارب شخصی حرفه‌ای ارزشمندتان که در خلال مطالعه هر بخش به خاطر می‌آورید را به صورت یادداشت‌هایی مختصر و کوتاه در حاشیه همان صفحه به نگارش درآورید.

در توجیه دلیل این خواهش، باید بگویم که این کتاب را در یک بازه زمانی حدوداً دو ساله با اندوخته تجربه‌ها، آموخته‌ها و عقل همیش روزگار و آلهایم نگاشته‌ام. با این حال، می‌دانم که اگر مجموعه یادداشت‌ها، پراکنده در دفاتر دست‌نویسم (که خودم به آن‌ها کشکول می‌گویم) را این دهه اخیر زندگی‌ام نبودند و به کمک نمی‌آمدند، بعید است که تزیین رشتن این کتاب را بیابم.

از شما می‌خواهم که با حاشیه‌نویسی اختصاری تجربه‌ها و دانسته‌های خود در کنار هر بخش از این کتاب، به غنا و معنای بیشتر محتوای آن بیفزایید تا به یمن و رکعت این مشارکت ارزنده شما، این اثر برای هر خواننده‌ای که آن را در دست می‌گیرد و مطالعه می‌کند، مفیدتر و خواندنی‌تر باشد. وانگهی خدا را به یاد، شاید همین کار باعث شد که ان شاءالله شما هم در فرصت فراغت که در آینده خواهید یافت، تصمیم بگیرید که کتابی از «تألیفات سید علی حسینی» بنگارید و به تداوم، تکامل و تعالی این گام نخستین کمک کنید. یک خواهش نامتعارف دیگر هم از شما همکاران خوبم دارم؛ آخرین صفحه این کتاب با عنوان «سخن آخر» را یک بار همین الان بخوانید، قبل از شروع مطالب فصل اول! تعجب نکنید! مطمئن باشید که از عمل

کردن به این پیشنهاد ساختارشکنانه غیر معمول، پشیمان نمی‌شوید.
گمان می‌کنم در این صورت وقتی پس از خواندن همه مطالب
دوباره به صفحه آخر برسید، ان شاء الله حس و حال بهتری را تجربه
خواهید کرد.

